

﴿۷۵﴾ قَالَ أَتَأْمُرُكَ أَنْ تَسْطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا قَالَ إِنْ

گفت ایان گفته بودم به تو که همانا تو توانی با من شکیبایی را گفت اموسا اگر

سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَحِّبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا

پرسه تو را از چیزی بعد از این پس همراه من مگرد مرا که رسیده ای از جانب من به عذری

﴿۷۶﴾ فَأَنْطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَنْبَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلُهَا فَأَتَوْا

پس هر دو به راه افتادند تا چون رسیدند به مردم آبادی ای که غذا خورند از اهل آن پس دریغ کردند

أَنْ يُضَيِّقُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ

که مهمانی کنند آنان را پس یافتند هر دو در آنجا دیواری را که میخواست بیفتد پس برپا داشت آن نیکمرده آن را

﴿۷۷﴾ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي

گفت اموسا اگر میخواستی هر آینه می گرفتی بر آن مزدی را گفت آن نیکمرده این احکام جدایی میان من

وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿۷۸﴾ أَمَّا

و تو است اکنون آگاه سازم تو را به حقیقت فرجام آنچه نتوانستی بر آن شکیبایی را اما

السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسْكِينٍ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا

آن کشتی پس بود برای بینوایانی که کار می کردند در دریا پس خواستم که معیوب کنم آن را

وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا ﴿۷۹﴾ وَأَمَّا الْفُلُ

و بود در پس آن پادشاهی که می گرفت هر کشتی اسلام را به زور و اما آن نوجوان

فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا

پس بودند پدر و مادر او دو مؤمن پس ترسیدیم که او دارد ایشان را به سرکشی و کفری

﴿۸۰﴾ فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رَحْمًا

پس خواستیم که عوض دهد ایشان را پروردگارشان بهتر از وی از روی پاکیزگی و نزدیک تر از رحمت مهرمندی

﴿۸۱﴾ وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ

و اما آن دیوار پس بود برای دو نوجوان یتیم در آن شهر و بود

تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا

زیر آن گنجی برای ایشان و بود پدرشان شایسته کار پس خواست پروردگار تو که برسد آن دو

أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُمْ

به نهایت قوت خود و بیرون آورند گنج خود را از روی بخشایشی از پروردگار تو و نکردم آن اکل را

عَنْ أَمْرِ ذَٰلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿۸۲﴾ وَتَسْأَلُونَكَ

به فرمان خود این است حقیقت فرجام آنچه که نتوانستی بر آن شکیبایی را و می پرسند از تو

عَنْ ذِي الْقُرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿۸۳﴾

در باره ذوالقرنین بگو به زودی خواهم خواند بر شما از آن حال او یادی را



إِنَّا مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَشِئُهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبِّحَا ﴿٨٤﴾ فَاتَّبَعَ سَبِّحَا

همانا توانستی دلایم به لو در زمین و نادیم به لو از هر چیزی سر رشته آن را ﴿۸۴﴾ پس درین گرفت راهی را

حَقَّ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ ﴿٨٥﴾

تا چون رسید جای فروشن آفتاب یافت آن را که فرو می رود در چشمه ای گل آلود

وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَبْدَأُ الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ

و یافت نزد آن قومی را گفتیم ای ذوالقرنین یا عذاب می کنی و یا دریش می گیری

فِيهِمْ حُسْنًا ﴿٨٦﴾ قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ

در میان ایشان ایش را نیکویی را ﴿۸۶﴾ گفت اما کسی که ستم ورزد پس عذاب خواهیم کرد و او را سپس بازگردانیده شود به سوی پروردگارش

فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَّكَرًا ﴿٨٧﴾ وَأَمَّا مَنْ هَمَّ بِكَارٍ وَسَعَىٰ فَكُنَّ خَزَائِرًا

پس عذاب کند و او را عذابی سخت ﴿۸۷﴾ و اما آنکه ایمن آورد و کند کاری شایسته پس برای اوست پاداشی

الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا ﴿٨٨﴾ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبِّحَا ﴿٨٩﴾

لیکوتر و خواهیم گفت به لو از فرمان خود آسانی را ﴿۸۸﴾ باز درین گرفت راهی را ﴿۸۹﴾ تا

إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَّمْ يَجْعَلْ لَهُم مِّنْ

چون رسید به جای برآمدن آفتاب یافت آن را که بر می آمد بر قومی که قرار نداده بودیم برای ایشان در

دُونِهَا سِتْرًا ﴿٩٠﴾ كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ﴿٩١﴾ ثُمَّ أَتْبَعَ

برابر آن آفتاب پوششی را ﴿۹۰﴾ اینچنین بود و به تحقیق احاطه داشتیم به آنچه نزد او بود آگاهی ﴿۹۱﴾ باز درین گرفت

سَبِّحَا ﴿٩٢﴾ حَقَّ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا

راهی را ﴿۹۲﴾ تا چون رسید در میان دو کوه یافت در پس آن دو کوه قومی را که

لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ﴿٩٣﴾ قَالُوا يَبْدَأُ الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ

نزدیک نبودند که بفهمند سخنی را (یا ج و ما ج را نمی فهمند) ﴿۹۳﴾ گفتند ای ذوالقرنین همانا یا جوج و ما جوج

مُقِيدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ يَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ

فدا کننده گانند در زمین پس آیا قرار دهیم برای تو هزینه ای را بر اینکه بسازی میان ما و میان ایشان

سَدًّا ﴿٩٤﴾ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ

سدی را ﴿۹۴﴾ گفت آنچه توانستند کرده است مرا در آن پروردگار من بهتر است پس یاری دهید مرا با نیرویی که بسازم میان شما

وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴿٩٥﴾ مَاتُوفِي زُجْرَ الْحَدِيدِ حَقَّ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ

و میان ایشان بندی استوار ﴿۹۵﴾ بیاورید برایم پاره های آهن تا وقتی که برابر ساخت میان آن دو کوه را

قَالَ أَنْفِخُوا حَقَّ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ مَاتُوفِي أَفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا

گفت پدید تا آنگاه گردانید آن را آتشی [گداخته] گفت بیاورید برای من تا بریزم بر آن دیوار مس گداخته را

﴿٩٦﴾ فَمَا اسْتَطَعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَعُوا لَهُمْ نَقْبًا ﴿٩٧﴾

پس نه می توانستند که بالا روند از آن و نه می توانستند آن را سوراخ [کنند] ﴿۹۷﴾



قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِن رَّبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي

گفت این رحمتی است از پروردگار من پس چون بیاید وعده پروردگار من گرداند آن را هموار و هست وعده پروردگار من

حَقًّا ﴿١٨﴾ وَتَرَكْنَا بَعْضَهُم يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ

حق و در همان گیتی ما برخی ایشان را آن روز که موج بزنند در برخی دیگر (در یکدیگر بپاشند) و فیهله شود در صور

فَجَمَعْتَهُم جَمْعًا ﴿١٩﴾ وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا ﴿٢٠﴾

پس گرد آوریم آنان را همگی و عرض نماییم جهنم را در آن روز برای کافران عرض نمودنی

الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ

آنان که بود چشم هایشان در پوششی از یاد من و نمی توانستند

سَمْعًا ﴿٢١﴾ أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَشْخِذُوا عِبَادِي مِن دُونِي

شنیدن سخن حق آیا پنداشتند کسانی که کفر ورزیدند که می گیرند بندگانم را به جای من

أَوْلِيَائَ إِنَّا أَعْلَمُونَا مَا جَعَلْتُمْ سَعْيَكُمْ يَوْمَئِذٍ ﴿٢٢﴾

کتر از آن همگانما عهدها ساخته ایم دوزخ را برای کافران (سرای پذیرایی) بگو آیا خبر ندیم به شما به زیاده کارترین مردم

أَعْمَلًا ﴿٢٣﴾ الَّذِينَ صَلَّوْا سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ

توجهت عملی آنان که تپاه شد کوشش ایشان در زندگانی دنیا و ایشان می پندارند که آنها

يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿٢٤﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِمْ

لیکوی می کنند کار را آنان کسانی اند که کافر شدند به نشانه های پروردگار خود و دیدار او

فَحِطَّتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ هُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَرَبَّنَا ﴿٢٥﴾ ذَلِكَ جَزَاءُ هُم

پس تپه گردید اعمالشان پس نخواهیم گذاشت برای شان روز رستخیز لرزشی را این است جزای شان

جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا عَآئِنِي وَرُسُلِي هُرُوقًا ﴿٢٦﴾

دوزخ به سبب آنکه کفر ورزیدند و گرفتند آیات مرا و پیامبرانم را به ریشخند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿٢٧﴾

و کردند کارهای شایسته هست برای شان باغ های فردوس (سرای مهمانی) جاودانه اند

فِيهَا لَا يَسْقَوْنَ عَنْهَا جَوْلًا ﴿٢٨﴾ قُلْ لَّوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَاتِ رَبِّي

در آن نمی جویند از آنجا انتقالی را بگو اگر باشد دریا مرکب برای نوشتن اسخنان پروردگار من

لَنفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَعْدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِثًّا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ﴿٢٩﴾ قُلْ

هر آینه بایان می یابد دریا پیش از آنکه بایان یابد کلمات پروردگار من و اگر چه بیوریم به مانند آن کمکی را بگو

إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَنَ كَان يَرْجُو

جز این نیست که من بشری مثل شمایم که وحی فرستاده می شود به سوی من که اله شما اله یگانه است پس هر کس که امید دارد

لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴿٣٠﴾

به دیدار پروردگار خود پس باید بکند کاری شایسته و شریک نسازد در عبادت پروردگار خود کسی را



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

كَمِيعَصَ ① ذَكَرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدُهُ زَكَّرِيَا ②  
 کافه هاء با عین صاد ① (این یاد رحمت پروردگار تو بر بنده اش زکریاست ②

إِذْ نَادَى رَبَّهُ يَدَاؤُهُ خَفِيًّا ③ قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ  
 آنگاه که ندا کرد پروردگار خود را به نعلی پنهان ③ گفت ای پروردگارم همانا من سست شده استخوان

مِثْقَى وَأَشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ  
 من و بر فروخته اسید گشته است سر [من] از پیری و نبوده ام به درخواست از تو ای پروردگارم

شَقِيًّا ④ وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ  
 محروم [از اجابت] ④ و همانا من می ترسم از خویشاوندان بعد از خود و هست

أَمْرًا عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا ⑤ بَرْنِي وَرِثُ  
 زن من نازا پس عطا کن به من از جانب خود و اوئی [مردی را] که لوث بزد مرا و لوث برد

مِنْ مَالٍ يَعْقُوبُ ⑥ وَأَجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ⑦ يَزَكَّرِيَا  
 از خاندان یعقوب و بگردان لورا ای پروردگارم پسندیده ⑦ ای زکریا

إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا  
 همانا ما مزده می دهیم تو را به پسری که نام او یحیی است که نگزیده ایم برای او پیش از این همانی را

⑧ قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ أَمْرًا  
 گفت ای پروردگارم از کجا باشد برای من پسری حال آنکه هست زن من

عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا ⑨ قَالَ كَذَلِكَ  
 نازا و به تحقیق رسیده ام از سب کلان سالی به قوتی گفت چنین است

قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَى هَيْنٍ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ  
 گفت پروردگار تو که این کار بر من آسان است و هر آینه آفریدم تو را پیش از این حال آنکه نبود

شَيْئًا ⑩ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ إِلَّا  
 چیزی گفت [زکریا] ای پروردگارم قرار ده برای من نشانی را فرمود نشانی تو این است که

تُكَلِّمُ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ⑪ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ  
 سخن تنهایی گفت یا مردم سه شبانه روز در حالی که تندرست باشی پس بیرون آمد بر قوم خود

مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ⑫  
 از محراب پس اشاره کرد به سوی ایشان که تسبیح گوید صبح و شام



- يَنْبَغِي خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَءَاتَيْنَاهُ الْحَكَمَ صَبِيًّا ۝  
 گفتند ای یحیی بگیر کتاب را به جد و جهد تمام و دادیم به او حکمت را در حالت کودکی
- وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا ۝  
 و مهربانی از نزد خویش و پاکیزگی از وی دادیم و بود پرهیزکار ۝ و ایوانیکوکار به پدر و مادر خود و
- يَكُن جَبَّارًا عَصِيًّا ۝  
 نبود زورگوی سرکش ۝ و سلام بر وی در روزی که زاده شد و روزی که می میرد
- وَيَوْمَ يُنْفَخُ الْحِجَابُ ۝  
 و روزی که پرانگیخته شود زنده و یاد کن در این کتاب مریم را وقتی که کناره گوید
- مِن أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ۝  
 از اهل خود در مکان شرقی ۝ پس گرفت از پیش ایشان پرده ای را [حائل از بینش]
- فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ۝  
 پس فرستادیم به سوی او فرشته خود را پس جلوه گر شد برای وی انمی درست گفتیم گفت همانا من
- أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ۝  
 پناه می جویم به الله امهرگستر از تو اگر پرهیزکاری از من دور شو ۝ گفت جز این نیست که من فرستاده
- رَبِّكَ لِأَهْبَ لَكَ غُلَامًا زَكِيًّا ۝  
 پروردگار توم تا بیاختم به تو پری پاکیزه را ۝ گفت چگونه باشد برای من
- غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكْ بِغِيًّا ۝  
 پری و حال آنکه دست نرسیده است به من هیچ بشری و نبوده ام زناکار ۝ گفت چنین است
- قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَى هَيْنٍ وَلَنَجْعَلَ لَكَ نَتَانًا مِّمَّا يَكُونُ لِي ۝  
 فرمود پروردگار تو که آن بر من آسان است و تا بگردانیم آن را نشانه ای برای مردم و رحمتی
- مِّنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا ۝  
 از جانب خود و این هست کاری شدنی و حتمی ۝ پس حمله شد به او پس کناره گرفت [مریم را]
- بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ۝  
 به او در جای دور ۝ پس کشانید او را فرد زایمان به سوی بیخ تنه خرما
- قَالَتْ يَلَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّسِيًّا ۝  
 گفت [مریم] ای کاش مرده بودم پیش از این و می بودم از یاد رفته کلی فراموش شده ۝
- فَنَادَاهَا مِن تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ۝  
 پس ندا داد او را از پایین او که غمگین مباش هر آینه قرار داده است پروردگار تو در زیر پای تو جوی آبی را
- وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسْقِطُ عَلَيْهِ رُطْبًا كَثِيرًا ۝  
 و بجنبان به سوی خود تنه خرما را تا بيفکند بر تو خرما را تازه چیده را



فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَمَا تَرَيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي  
پس بخور و بنوش و روشن می داری چشم را و اگر ببینی از آدمیان کسی را پس بگو

إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا ﴿٢٦﴾  
همچنان من نذر کرده ام برای الله احدگستر روزه ای را پس من سخن نخواهم گفت امروز با هیچ انسانی

فَأَتَتْ بِهِنَّ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُنَّ قَالُوا يَبْرَأُ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا  
پس آورد پسرش را نزد قوم خود در حالی که برهنه بود لورا گفتند ای مریم هر اینده آورده ای چیزی

فَرِيًّا ﴿٢٧﴾ يَتَأَخَتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ  
شکفت را ای خواهر هارون نبود پدر تو مرد بدی و نبود

أُمُّكَ يَغِيًّا ﴿٢٨﴾ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي  
ملحوت بدکاره پس اشاره کرد (مریم) به سوی آن (جمله) گفتند چگونه سخن گوئیم با کسی که هست در

الْمَهْدِ صَبِيًّا ﴿٢٩﴾ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَكَلَّمَنِي مِنْ  
گهواره کودکی گفت همچنان بنده الله هستم خلقه است به من کتاب را و گردانیده است مرا

نَبِيًّا ﴿٣٠﴾ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ  
پیامبر و گردانیده مرا مبارک هر جا که باشم و سفارش فرموده است مرا به نماز

وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ﴿٣١﴾ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي  
و زکات مادامی که زنده باشم و نیکوکار گردانیده (مرا) با مادر خود و نساخه مرا

جَبَّارًا شَقِيًّا ﴿٣٢﴾ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ  
زورگوی بدبخت و سلام بر من در روزی که زنده شدم و روزی که بمیرم

وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ﴿٣٣﴾ ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ  
و روزی که برانگیخته شوم زنده این است (احوال) عیسی پسر مریم اهل سخن حق

الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٣٤﴾ مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَنَهُ  
که در آن تردید می کردند نباشد سزاوار برای الله که بگیرد فرزندی را پاک او

إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٣٥﴾ وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ  
چون خیلند گزارد کاری پس جز این نیست که می گوید به او بشوئی رنگ می شود و گفت (همچنان) الله پروردگار من و پروردگار شماست

فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٣٦﴾ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ  
پس بپرستید لورا این است راهی راست پس اختلاف کردند گروه ها در

بَيْنَهُمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٣٧﴾ أَسْمِعْ  
میان خود پس وای بر کسانی که کافر شدند از حضور در روزی بزرگ چه خوب شنوایند ایشان

وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الْفَظْلِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٣٨﴾  
و چه خوب بینایان در روزی که می آیند پیش ما لکن ستمکاران آن روز در گمراهی آشکارند



وَأَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ **وَمَنْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ**  
ویم نه ایشان را آرزو حسرت چون پایان پذیرد کار و هشدارنده آنرا چنان که فلان در می خورند و ایمان نمی آورند

﴿۳۹﴾ إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿۴۰﴾ وَاذْكُرْ  
همانا ما وارث می شویم زمین را و هر آنکه را که بر روی آن است و اهل به سوی ما بازگردانیده می شوند ﴿۴۰﴾ و یاد کن

فِي الْكِتَابِ إِبرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ﴿۴۱﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَتَابَتِ  
در این کتاب ابراهیم را همانا او بود بسیار راست گویش پیامبر ﴿۴۱﴾ وقتی که گفت به پدر خود ای پدر

لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا ﴿۴۲﴾ يَتَابَتِ  
چرا می پرستی چیزی را که نمی شنود و نمی بیند و دفع نکند از تو هیچ چیزی را هیچ گزینی را ﴿۴۲﴾ ای پدرم

إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا  
همانا من آمده است مرا از دانش چیزی که نیامده است برای تو پس پیروی کن مرا که بنمایم تورا راهی

سَوِيًّا ﴿۴۳﴾ يَتَابَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ  
راست ﴿۴۳﴾ ای پدر پرستش مکن شیطان را همانا شیطان هست برای الله ابراهیم گستر

عَصِيًّا ﴿۴۴﴾ يَتَابَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ  
بسیار نافرمان ﴿۴۴﴾ ای پدر همانا من می ترسم که برسد تورا عذابی از الله ابراهیم گستر

فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ﴿۴۵﴾ قَالَ أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنْ إِلَهِي  
پس می شوی برای شیطان یاور و همدم ﴿۴۵﴾ گفت ایها برگشته ای تو از اله های من

يَتَابَرِهِيمُ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ لَأَرْحَمَنَّكَ وَأَهْجُرَنِي مَلِيًّا ﴿۴۶﴾ قَالَ  
ای ابراهیم اگر دست بر نزاری هر آینه تورا سنگسار کنم و دور باش از من مدتی دراز ﴿۴۶﴾ گفت

سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ فِي حَفِيًّا ﴿۴۷﴾  
تو را به درود زود طلب آمرزش کنم برای تو پروردگار خود همانا او هست به من بسیار مهربان = به من لطف پرداز ﴿۴۷﴾

وَأَعِزِّلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَى  
و کناره می گیرم از شما و از آنچه فرا می خوانید به جز الله و فرا می خوانم پروردگار خود را امید است

أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا ﴿۴۸﴾ فَلَمَّا أَعِزَّهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ  
که نیاشم به درخواست پروردگار خود بدیخت و محروم پس چون کناره گرفت از آنان و از آنچه می پرستیدند

مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُمُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ﴿۴۹﴾  
در برابر الله بخشیدیم به او اسحاق و یعقوب را و همه را قرار دادیم پیامبر ﴿۴۹﴾

وَوَهَبْنَا لَهُمُ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ﴿۵۰﴾  
و بخشیدیم ایشان را از رحمت خود و قرار دادیم برای ایشان گفتار راست بلند آوازه ای را

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ﴿۵۱﴾  
و یاد کن در این کتاب موسی را همانا او بود ناب برگزیده و بود فرستاده ای پیامبر



وَنَدَيْتُهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ۝۵۲ وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ  
ولنا کردیم او را از طرف راست کوه طور و نزدیک ساختیم او را از گویان ۵۲ و عطا کردیم به او از  
رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا ۝۵۳ وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ  
رحمت خود برادرش هارون را به پیامبری ۵۳ و یاد کن در این کتاب اسماعیل را همانا او بود  
صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ۝۵۴ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ  
راست وعده و بود فرستاده ای و پیامبری ۵۴ و امر می کرد اهل خود را به نماز  
وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ۝۵۵ وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ  
و زکات و بود نزد پروردگار خود پسندیده ۵۵ و یاد کن در این کتاب ابراهیم را  
إِنَّهُ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا ۝۵۶ وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ۝۵۷ أُولَئِكَ الَّذِينَ  
همانا او بود راست گفتار و پیامبری ۵۶ و بالا بردیم او را به مقامی والا ۵۷ آنان کسانی اند که  
أَنعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ  
انعام کرد الله بر ایشان از پیامبران از اولاد آدم و از اولاد نوح که برداشتیم با نوح از کشتی  
وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَءِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجِبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ  
و از اولاد ابراهیم و اسرائیل و از جمعی کسانی که هدایت نمودیم ایشان را و برگزیدیم چون خوانده می شد بر ایشان  
آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَكَبَّرُوا ۝۵۸ فَخَلَفَ مِنْ بَنِي  
آیات (الله) مهر گستر به زمین می افتادند سجده کنان و بزرگواران ۵۸ پس آمد پس از ایشان  
خَلَفَ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا ۝۵۹  
جانشینی که ضایع کردند نماز را و پیروی کردند شهوت هارا پس روزا که روبه روشوند با کفر اگر اهل  
إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ  
مگر کسی که توبه کرده و ایمان آورده و کرده باشد اکاری شایسته پس آنان وارد می شوند در بهشت  
وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ۝۶۰ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ  
و کم کرده نمی شود از لذات آنها چیزی ۶۰ بهشت های پاینده که وعده داده است الله مهر گستر بندگان خود را  
بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ۝۶۱ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا  
به غیب همانا هست وعده او آمدنی ۶۱ نشنوند در آن سخن بیهوده را مگر سلام  
وَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ۝۶۲ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ  
و بر می ایشان است روزیشان در آن صبح و شام ۶۲ این همان بهشتی است که میراث می دهیم از  
عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا ۝۶۳ وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا يَشَاءُ  
بندگان خود کسی که باشد پرهیزکار ۶۳ و فرود نمی آیم (ما فرشتگان) مگر به فرمان پروردگار تو برای پوست آنچه در  
أَيِّدِنَا وَمَا خَلَقْنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ۝۶۴  
پیش روی ما است و آنچه در پس ما است و آنچه در بین اینهاست و نیست پروردگار تو فراموش کار ۶۴

سجده  
در این  
سوره  
۳۱



**رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ**  
 ایستاد پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه در میان آن دو است پس پرستش کن و استقامت کن برای بندگی او

**هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا** **۶۵** **وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَإِذَا مَا مِثْلُ لَسَوْفَ**  
 آیا می شناسی برای او همنامی را؟ و می گوید انسان آیا چون بمیرم باز

**أُخْرِجَ حَيًّا** **۶۶** **أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْتُهُ مِنْ قَبْلُ**  
 بیرون آورده خواهم شد زنده؟ آیا یاد نمی کند انسان که همانا ما آفریدیم او را پیش از این

**وَلَمْ يَكْ شَيْئًا** **۶۷** **لَنَحْضَرَنَّهُمْ** **فَوَرَّيْكَ**  
 حال آنکه نبود چیزی؟ سوگند به پروردگار تو که هر آینه جمع کنیم ایشان و شیاطین را سپس

**لَنَحْضَرَنَّهُمْ** **حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا** **۶۸** **ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ**  
 هر آینه حاضر می سازیم ایشان را گرداگرد نوزخ به زانو در افتاده سپس بیرون می کشیم از هر

**شِيعَةٍ أَنتَهُم** **أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِيتًا** **۶۹** **ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ**  
 گروهی هر کدام را که شدیدتر باشد بر **الله** مهر گستر در سر کشی آنگاه ما داناتریم به آنانی که

**هُمْ أُولَىٰ بِهَا صِلًا** **۷۰** **وَإِنْ يَنْكُرُ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ**  
 ایشان سزاوارترند به در آمدن در آن ادوزخ و نیست از شایع کس مگر آنکه به آن در آید همتا این وعده بر پروردگار تو

**حَتْمًا مَقْضِيًّا** **۷۱** **ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ**  
 لازم او انجام پذیرد آنگاه می دهیم آنان را که پرهیزکاری کردند و می گذاریم ظالمان را

**فِيهَا جِثِيًّا** **۷۲** **وَإِذَا نُتِلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا**  
 در آن به زانو در افتاده و چون خوانده شود بر ایشان آیات روشن ما گویند آنان که کفر ورزیدند

**لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا** **۷۳** **وَكَمْ**  
 به آنان که ایمان آوردند کدام یک از این دو گروه جایگاهی بهتر و نجاتی راسته تر دارد؟ و چه بسیار

**أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثْنًا وَرِعًا** **۷۴** **قُلْ مَنْ**  
 هلاک کردیم پیش از ایشان نسل ها را که ایشان نیکوتر ساز و برگ و منطری داشتند بگو هر که

**كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ**  
 باشد در گمراهی پس مهلت دهد به او **الله** مهر گستر مهلتی تا آنکه که ببیند آنچه را که وعده شده بودند

**إِنَّمَا الْعَذَابُ وَلِئِمَّا السَّاعَةِ فَيَعْلَمُونَ** **مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا**  
 یا عذاب [در دنیا] و یا رستاخیز پس به زودی خواهند دانست که چه کسی بدتر است جایگاهی

**وَأَضَعُ خُسُفًا** **۷۵** **وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى**  
 و ضعیف تر است سهاشی و می افزاید **الله** بر آنان که راه یافته اند هدایت را

**وَالْبَقِيَّةُ الصَّلَاحُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًا** **۷۶**  
 و کارهای عاقلی و شایسته بهتر است نزد پروردگار تو از جهت پاداش و بهتر است از جهت سرفرازی



أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّكَ مَالًا وَوَلَدًا

ایا دیدی آن کس را که کافر شد به آیات ما و گفت هر آینه به من داده شود مال و فرزندی

۷۷ أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمْ أُنْخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ۷۸

ایا آگاهی یافته بر غیب یا گرفته است از نزد **الله** **مهرگستر** پیمانی را؟ نه چنین است

سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَعُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَذًا ۷۹ وَنَرْثُهُ

به زودی می نویسم آنچه را که می گوید و می افزاییم برای او عذاب افزونی را **۷۹** و به میراث می بریم از او

مَا يَقُولُ وَيَأْتِنَا فَردًا ۸۰ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً

آنچه را که می گوید و خواهد آمد نزد ما تنها یوست **۸۰** و گرفتند به جای **الله** اله های را

لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا ۸۱ كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ

تا باشند برای آنان عایه عزت **۸۱** كلا چنین نیست زودا که انکار کنند پرستش ایشان را و می شوند

عَلَيْهِمْ ضِدًّا ۸۲ أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ

بر ضد ایشان **۸۲** آیا ندیدی که همانا ما فرستادیم شیاطین را بر کافران

تَوْرَهُمْ أَرَأَا ۸۳ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَذَابًا

که تحریکشان کند تحریک کردی **۸۳** پس شتاب مکن بر ایشان چرا این نیست که برستایم برای آنها اگر طولانی را **۸۳**

يَوْمَ نَخْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا ۸۴ وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ

روزی که گرد آوریم پرهیزکاران را به سوی **الله** **مهرگستر** به میهمانی **۸۴** و می رانیم گنہگاران را

إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَرِدًّا ۸۵ لَا يَمْلِكُونَ الشَّفْعَةَ إِلَّا مَنْ أَخَذَ عِنْدَ

به سوی دوزخ تشنه کام **۸۵** در اختیار ندارند شفاعت را مگر کسی که گرفته باشد نزد

الرَّحْمَنِ عَهْدًا ۸۶ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ۸۷ لَقَدْ

**الله** **مهرگستر** پیمانی را و گفتند گرفته است **الله** **مهرگستر** فرزندی را **۸۷** هر آینه

جِئْتُمْ شَيْئًا إِذَا تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَنْفَطَرْنَ مِنْهُ ۸۸

آورده اید چیز بسیار زشتی را **۸۸** نزدیک است که آسمان ها بشکافتند از این سخن

وَتَنشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخْرِجُ الْجِبَالَ هَدًّا ۸۹ أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا

و بشکافت زمین و بیفتد کوه ها پاره پاره **۸۹** اینکه می خوانند برای **الله** **مهرگستر** فرزندی را

۹۰ وَمَا يَلْبِغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ۹۱ إِنْ كُلُّ مَنْ فِي

و سزاوار نباشد برای **الله** **مهرگستر** که بگیرد فرزندی را **۹۱** نیست هیچ کسی در

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا ۹۲ لَقَدْ أَحْصَيْنَا

آسمان ها و زمین مگر آنکه خواهد آمد نزد **الله** **مهرگستر** به بندگی **۹۲** به تحقیق او همه را سرشماری نموده

وَعَدَّهُمْ عَدًّا ۹۳ وَكُلُّهُمْ عِندَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَرْدًا ۹۴

و دقیقاً شمارش کرده است **۹۳** و هر یک از ایشان خواهد آمد روز رستاخیز به تنهایی **۹۴**



إِنَّ الدِّينَ مَأْمُورٌ وَعَجِلُوا **الضَّلَاحَتِ** سَمِعَلُ هُمْ  
همان دین که ایمن آوردند و کردند کارهای سراسیمه به روئی قریب می دهند برای ایشان

الرَّحْمَنِ وَدَا **فَاتَمَّا** يَسْتَرْهُ يَلْسَانُكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ  
به مهر گدوسی را در حال حال پس خدایان است که اسرار را به رسد تو تا بفرستد دهنی به آن

الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لَّدَا **وَكَمْ** أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ  
پرهیزکاران و بیم دهنی به آن گروهی سپرد جورا و چه بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان

مِنْ قَرُونٍ هَلْ تُحِشُّ مِنْهُمْ قِمْنَ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْرًا  
از سلطانی آیا می بیند از ایشان کسی یا می شنوی از آنان آوین را

سورة طه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
به نام الله مهر گستر مهربان

طه مَا أَمَرْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِيَتَّقِيَ **إِلَّا** نَذِيرًا  
طه ها هر دو نفر سنادیم بر تو این قرآن را که در رنج دهنی مگر بپنداشی

لَعَنَ يَحْشُو تَرْيَلًا **فَمَنْ** حَلَقَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتِ لَعْنًا  
برای مکه می درسد در حال که نازل شد از جانب آن که افرید زمین و آسمان های بلند

الرَّحْمَنِ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى **لَهُ** مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي  
الله مهر گستر بر عرش استیلا یافت نازل بوسه آنچه در آسمان ها و آنچه در

الْأَرْضِ وَمَا يَنْهَمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى **وَإِنْ** تَجَهَّرَ بِالنُّفُورِ  
زمین و آنچه در میان هر دو و آنچه در زیر خاک بپاک است و اگر استکار کنی سخن

فَأَنَّهُ يَعْلَمُ الْيُسْرَ وَأَخْفَى **أَنَّهُ** لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ  
پس همانا تو می دانی و پنهان تر را الله است که پنهان است هر او را آن اوست نام های

الْحُسْنَى **وَهَلْ** أُنْتُكَ حَدِيثُ مُوسَى **إِذْ** رَأَى نَارًا  
بیکور و آیا رسیده است به تو داستان موسی آنگاه که دید آتشی را

فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ  
پس گفت به اهل خود درنگ کنید همدان دیده ام آتشی باشد که من بیارم برای شما از آن آشکری را

أَوْ أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى **فَلَمَّا** أَنهَا نُودِيَ بِمُوسَى  
یا پند بر نش رهمودی پس چون بعد بردن بر بد داده شد که ای موسی

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاتَّقِ نَعْلِكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى  
همانا من خودم و تو را توام پس در آور کفشها را بر تو در وادی پاک طوی همنی

حزب ۳۴



وَأَنَا أَخَذْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ ۚ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا

و من برگزیده ام تو را پس سماع کن که وحی می شود همانا منم الله بسم الله حر من

فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ۚ إِنَّ السَّاعَةَ ءَاتِيَةٌ

پس مدگی کن من و برپا دار نماز برای یاد کردن من همانا رساجبر آمدی است

أَكَادُ أَهْلِيهَا لِيُخْرِى كُلَّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى ۚ فَلَا يَصُدُّكَ

می جویم پهلایان را تا بیاورم دلها شود هر کسی به آنچه تلاش کرده است پس باز نبرد تو را

عَنَّا ۚ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَاتَّبَعَ حُوبَهُ فَتَرَدَّى ۚ وَمَا يَلَاكَ

از این بفرستد آن کسی که ایمان ندارد به او و پیروی کرده هوس خود که هلاک می شوی و چیست بی

بِمِيعَتِكَ يَمْوَسَّىٰ ۚ قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُا عَلَيْهَا

تو تکیه کنی تو ای موسی گفت بی عصای من است که تکیه می کنم بر آن

وَأَهْلُهَا ۚ عَلَىٰ عَنِي وَلِيَّ فِيهَا مَثَابٌ أُخْرَىٰ ۚ قَالَ أَلْفُهَا

و از یک هزار می ریزم بر آن برای گوشتنم بر من از این عصا بیژهای دیگری است فرمود بسط آن

يَمْوَسَّىٰ ۚ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُمْ لِي إِلَهَ إِلَّا أَنَا ۚ قَالَ حَذَّاهَا

ای موسی پس بیفکنی پس ما که من از ماری بد که می نوید گفت بگردان

وَلَا تَحْزَنْ سَعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ ۚ وَاضْمُمْ يَدَكَ

و مرس باز خواهی گرداند او را به حالت محسن آن و بیوست کن دست خود

إِلَىٰ جَانِبِكَ تَخْرُجُ بَيْصَاءٌ مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ ءَايَةٌ أُخْرَىٰ ۚ لِيُرِيكَ

به گریبان خود تا بیاورد صید بی هیچ عیبی در حالی که این شده دیگر است تا مجازیم نور

مِنْ ءَايَاتِنَا الْكُبْرَىٰ ۚ أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ۚ قَالَ

از نشانه های بزرگ خود برو به سوی فرعون همانا سرکشی کرده است گفت

رَبِّ أَشْرَحْ لِي صَدْرِي ۚ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ۚ وَاتَّخِذْ عُقْدَةً مِنْ

ای یزدانم من بگشای برای من سینه ام را و آسان کن بر من کارم را و بگش کرده را

لِسَانِي ۚ يَمَقِّهْهُمَا قَوْلِي ۚ وَاجْعَلْ لِي وَرِثَةً ۚ مِنَ أَهْلِ هَارُونَ

زبانم تا بقمند سخنم را و بگردان برای من و دیری از کسان من هارون

أَخِي ۚ أَشَدُّ بِهِ أَرَىٰ ۚ وَأَشْرِكُ فِي أَمْرِي ۚ كَيْ نَسِيتَكَ

برادر من محکم کن به او چشم و شریک سازم در کار من تا به یابی سلیم نور

كَيْبَرًا ۚ وَتَذَكَّرُكَ كَيْبَرًا ۚ إِنَّكَ كُنْتَ بِمَا بَصِيرًا ۚ قَالَ قَدْ

ساز و یاد کنی تو را ساز همانا تو هستی به حواله بینا گفت هر آینه

أُوْنِيتَ سَوْءًا ۚ يَمْوَسَّىٰ ۚ وَلَقَدْ مَسَّ عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ ۚ

دلده شد به تو خواسته ات ای موسی و هر آینه بمس بر من بار دیگر



إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ (۳۸) أَنْ أَقْبِصِي فِي الثَّاوُبِ فَأَقْبِصِيهِ

آنکه که وحی گردید به مادرش آنچه اوحی می شد که بدو در صندوق آنکه پیدل استوار  
فِي الْيَمِّ فَلْيَقْبِصْهُ أَلَيْسَ بِالسَّائِلِ بِأَحَدٍ عَدُوٌّ لِّي وَعَدُوٌّ لَّهُ وَالْقَبِيطُ  
در دریا باشد و در دریا به کاره نگردد ورا کسی که دشمن من و دشمن اوست و فکرم

عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي وَلَتُصَعَّ عَلَىٰ عَيْقٍ (۳۹) إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ

بر تو محبتی بر جانب خود و ن یورده سوی زیر نظر من یکن آنکه که می رفت خواهر

فَنَقُولُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ

پس می گفت یا نشان دهم به شما کسی که سرپرستی کند و پس باز آوریم ورا به سوی مادرش تا راس شود

عَيْنًا وَلَا تَحْزَنْ وَقُلْتُ نَفْسًا فَعَجَبْتَ مِنْ الْعَمْرِ وَمِثْلِكَ فَنُونا

چشم او و غم بخورد و گفتمش شخصی را پس بخت داریم ورا از ان عم و بیامودیم ورا از مودتی

فَلَيْسَتْ سِيبِي فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتُ عَلَىٰ قَدَرٍ يَمْوِسِي (۴۰)

پس درنگ کردی چنین سال در میان اهل مدین پس باز آمدی بر نفس بر نامه بریزی ی موسی

وَأَصْطَفَعْتُكَ لِقَاسِي (۴۱) أَذْهَبَ أَتَ وَلَحُوكَ يَثَابِقِي وَلَا نِيَا

و پروردگارم ورا بری خود برو و برادرش یا سانه های من و سنی مکید

فِي دِكْرِي (۴۲) أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِّسَا

در یادش بروید به سوی فرعون همانا او سرکش گردید پس بگوید به او سخن بر مرا

لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ (۴۳) قَالَا إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُقْرِطَ عَلَيْنَا

باشد که او بداند یا برسد گفت ای پروردگار ما همانا ما می ترسیم که پیشانی کتف بر خدا

أَوْ أَنْ يَطْعَنَ (۴۴) قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَىٰ

یا طعن و زد گفت منسید همانا من با شما هستم می شنوم و می بینم

فَأَنبَأَهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ

پس بگوید پس وی پس بگوید همانا دو فرستاده پروردگار تویم پس بفرست ما پس اسرائیل را

وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِثَآئِفَةٍ مِّنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَن أَسْمَعُ

و عذاب مکن ایشان را و هر آینه پروردگارم پس تو سلفه ای از پروردگار و سلام بر کسی که می گوید

أَلْهَدَىٰ (۴۷) إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَبَ

رهسود را همانا وحی فرستاده شد به سوی ما که عذاب بر کسی است که تکذیب کند

وَتَوَكَّلْ (۴۸) قَالَ فَمَنْ رَّبُّكُمْ يَمْوِسِي (۴۹) قَالَ رَبُّ آلِيٍّ أَعْطَىٰ

و روی بربد گفت ای من پس کیست پروردگار من تو را ای موسی گفت ای موسی پروردگار من کیست که عطا کرده است

كُلَّ شَيْءٍ حَقَّقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ (۵۰) قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ (۵۱)

به هر چیزی حقیقت را سپس راه نموده است گفت پس چیست حال نسل های نخستین



قَالَ عَلَّمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَصِيلُ رَبِّي وَلَا يَسِي <sup>۵۴</sup>  
 گفت عمل را نزد من در کتابی که به خطای کند و بر من و به فرستادن من کند  
 الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ <sup>۵۵</sup>  
 اوست که قرار داد برای شما زمین را و کشیده است برای شما در آن راه ها و فرود راند  
 مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَقِيَ كَلُوا <sup>۵۶</sup>  
 از آسمان آب را پس بر آوردیم به سبب آن انواع از رویش های گوناگون بخورید  
 وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ <sup>۵۷</sup> \* مِنْهَا <sup>۵۸</sup>  
 و بخارید چهارپایان خود را همانا در این نشانه هایی است برای صاحبان خرد  
 خَلَقْنَاهُمْ وَفِيهَا يُعِيدُهُمْ وَفِيهَا نُخْرِجُهُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ وَلَقَدْ <sup>۵۹</sup>  
 آفریدیم شما را و در آن برمی گردانیم شما را و از آن بیرون خواهیم آورد شما را بار دیگر و هر آینه  
 آَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا <sup>۶۰</sup>  
 بر آورده ای نشانه های خود همه آن پس دروغ بناساز و بیدرفت گفت آیا آمده ای نزد ما تا بیرون کنی ما را  
 مِنْ أَرْضِنَا بِسَعْرِكَ يَحْمُوسُ <sup>۶۱</sup> فَلَسَأَلْنِيكَ بِسَعْرِ مِثْلِهِ <sup>۶۲</sup>  
 از سرزمین ما با جادوی خود ای موسی؟ پس هر آینه من تو را برای تو جادویی مانند آن را  
 فَأَجْعَلَ يَدَايَ وَمِثْلَ مَوْعِدَا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنتَ مَكَانًا <sup>۶۳</sup>  
 پس قرار دادم پس ما و این خود وعده گامی را خلاف نکنیم از ما و نه تو در جای  
 سَوًى <sup>۶۴</sup> قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْمَةِ وَأَنْ يُخَشِّرَ النَّاسَ صَحًى <sup>۶۵</sup>  
 هموار گفت وعده گاه شما روز آرایش جس است و اینکه گردانیده شود مردم و صفت بجزر و  
 فَتَوَلَّىٰ <sup>۶۶</sup> فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَىٰ <sup>۶۷</sup> قَالَ لَهُم <sup>۶۸</sup>  
 پس بازگشت فرعون پس فراهم آورد بر ضد خود را سپس بنامد گفت به ایشان  
 مُوسَىٰ وَبِلَكُمْ لَا تَقْرَؤُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْجَنَكُمْ بِعَذَابٍ <sup>۶۹</sup>  
 موسی و ای بر شما صبر کنید بر الله دروغی پس هلاک گرداند شما را به عذاب  
 وَقَدْ حَاطَ مِنَ آفَتِي <sup>۷۰</sup> فَاسْرِعُوا أَمْرَهُمْ بِبَهْرٍ وَأَسْرُوا <sup>۷۱</sup>  
 و هر آینه ناخوش شد کسی که دروغ است پس بخواهید در کار خود بر میان جویس و بیهوش نشد  
 الْحَوَىٰ <sup>۷۲</sup> قَالُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم <sup>۷۳</sup>  
 و از خود را گفتند همانا این هر دو جادوگرند می خواهند که بیرون کنند شما را  
 مِنْ أَرْضِكُمْ بِسَعْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ النَّهْلَ <sup>۷۴</sup> فَاجْمَعُوا <sup>۷۵</sup>  
 از سرزمین تان به جادوی خود و بزدانند و آید بطریقیتان آید برتر شما را پس گرد آورید  
 كَيْدَكُمْ ثُمَّ أَتُوا صَفًّا وَقَدْ أَقْلَعَ الْيَوْمَ مِنَ اسْتَعْلَىٰ <sup>۷۶</sup>  
 بیرونک خود را سپس بیاید صف کشیده و هر آینه رستگار آید از امروز آن که برتری یابد

۵۱  
 حزب  
 ۳۶



قَالُوا يَمْوَسَّىٰ بِمَا أَرَّ ثَلَقَىٰ وَإِمَّا أَرَّ تَكُونُ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ ۖ قَالَ  
 گفت ای موسی یا این است که بوفکنی عسارا و یا اینکه بایسم ما اول کسی که بیفتد  
 مَلَّ الْقَوْمُ فَيَاذَا جِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ  
 بلکه سدا فکند پس باکشان ریحان ها و عصاهایشان حسن و نمودند به موسی از جادوی آنها که می نمود  
 فَأَوْحَىٰ فِي نَفْسِهِ جِيفَةً مُّوسَىٰ ۖ فَلَمَّا لَاحَظَ إِلَيْكَ  
 پس در یقین = اوحی کرد در دل خود هر اس را موسی ۱۱ کسم مرس همان  
 أَمَّ الْأَعْلَىٰ ۖ وَالْقَىٰ مَا فِي يَمِينِكَ تَلَفَّ مَا صَعَوْا بِمَاءٍ صَعَوْا  
 بوی بر و بیفتن بجه در دست راست پوست ن فروید جیری که ساخته اند همان آنچه ساخته اند  
 كَيْدٌ سِحْرٌ وَلَا يَقْنِصُ التَّاجِرُ حَيْثُ أَقْبَىٰ ۖ فَالْقَىٰ السَّحْرَةُ مُجَدًّا  
 برآمد جادوگری است و دستگیر نمی شود جادوگر هر جا که آید ۱۲ پس افسادند جادوگران سحره کمال  
 قَالُوا ءَأَمَّا رَبٌّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ ۖ قَالَ ءَأَمَّ لَهُ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَهُ  
 گفت ایمل لوردم به پرور کار هرون و موسی گفت فرعون مبر کردید به او پیش از آنکه اجزیه بدهد  
 لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ  
 شمار ۱۳ همانوی بزرگ شما است که اموخته است به شما جادو را پس هر به قطع می کنم دست ها  
 وَأَرْحَلُكُمْ مِنْ جَنْبِ الْأُصْلُسِ ۖ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَنَقْلِقَنَّ  
 و بهای شمارا بر خلاف بکنید و هر به بر دم می کنم سمدر در سمای حرما و هرایه جویید دست  
 أَيْمًا أَشَدَّ عَذَابٍ وَأَتَقَىٰ ۖ قَالُوا لَنْ نُؤْثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنْ  
 که عذاب کلام ما سخت تر و پدید بر است گفتند هرگز ترجیح نمی دهیم نور بر آنچه برای ما آمده است از  
 الْيَمِينِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْصِ مَا أَمَّ قَاصٍ ۖ إِنَّمَا نَقْصِي هَدْيَهُ  
 دلائل روش و بر کس که مارا آفرید پس حکم کنی هر چه حکم کنده ای جز این نیست تو حکم می کنی برای  
 الْحَيَوةِ الدُّنْيَا ۖ إِنَّمَا مَاءٌ رَسَ لِيَعْمَرَ لَنَا حَظِينًا وَمَا أَكْرَهْنَا  
 زندگی دنیا ۱۴ همان ما ایمل لوردم به پرور که می نابخشند برای ما گلفی مارا و آنچه معبر کردی مار  
 عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ ۖ وَلَهُ حَيْرٌ وَأَتَقَىٰ ۖ إِنَّمَا مَرَّ يَأْتِ رَنَّهُ مُحْرَمًا  
 بر آن از جادو ۱۵ و بهر و باشد بر است ۱۶ همانا کسی که بیاید به پرور کار خود گشکار  
 فَإِنَّ لَهُ حَقَّهُمْ لَا يَصُوتُ فِيهَا وَلَا يَجِي ۖ وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ  
 پس همک برای ولست روح به می میرد در آن و نه زندگی می کند ۱۷ و آن که بر دلواید ایمل لوردم که  
 عَمَلٍ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ ۖ حَسْبُ عَذَابٍ  
 کرده باشد کارهای شایسته پس آنان برای آنهاست درجات بلند ۱۸ حست عذاب  
 تَحَرَّىٰ مِنْ قَحْطِ الْأَشْهَرِ حَلِيدِينَ فِيهَا وَدَلِكُ حَرَاءُ مَنْ تَرَكِي ۖ  
 که می رود بر بر آنها بهرها در حالی که چنین اند در آن و این است پاداش کسی که باکی و



وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ مَرِيقًا

وهدا به وحی فرستادیم به سوی موسی که بسایه بر بندگان مرا پس بار کن برای سار راهی

وَالنَّحْرِ بِسَاءٍ لَّا تَحْتَفُ دَرَكًا وَلَا تَحْشَقُ قَاتِلَهُمْ فَارْعُونَ

در برنا خشک سرسی و پس از عیس و بهر سار حوریم پس نهال گردید اسیر و فرعون

يُجْتَوَدُونَ فَعَشِيَهُمْ مِّنَ اللَّيْلِ مَا عَاشِيَهُمْ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ

بافتنکهای خود پس قرار گرفت اندر از دریا آنچه قرار گرفت اندر از و گمراه کرد فرعون قوم خود

وَمَا هَدَىٰ ۖ يَتَّبِعْ إِسْرَءِيلَ قَدْ أَجْبَحْنَاكَ مِنْ عَدُوِّكَ وَوَعَدْنَاكَ

و هدایت نکرد ای س اسراییل هر سه بخت دادیم بهما را از دشمنان و وعده دادیم بهما را

حَاطَبَ الظُّلُمِ الْأَيْمَنِ وَوَرَّلْنَا عَلَيْكُمْ أَلْمَنَ وَالسَّلَوَىٰ كَلُوا

در طرف راست کوه طور و ماران گردید بر شما بر بخش و بدر چپان کعبه بخورید

مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْعَمُوا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكَ عَضِي

از پاکیزه های آنچه روزی دادیم بهما را و از حد نگذیرید در آن پس فرود خواهد آمد بر شما حشم من

وَمَنْ يَحِلَّ عَلَيْهِ عَضِي فَقَدْ هَوَىٰ ۖ وَإِنِّي لَعَنَّا لِمَنْ تَابَ

و کسی که فرود آید بر وی حشم من پس به حشمتی هلاک شود و همانا من امر دانا آن کس هستم که بوبه کند

وَيَأْمَنَ وَيَحِلَّ صَالِحًا ثُمَّ أَهْدَىٰ ۖ وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ

و ایمن آورد و کند کار به سستی در راه راست بماند و چه حیر به شتاب آورد تو را

قَوْمِكَ يَمُوسَىٰ ۖ قَالَ هُمْ أَوْلَاءُ عَلَيَّ أَثَرِي وَعَظِمْتُ إِلَيْكَ

قوم ای موسی گفت ایشان همبسا اند که در پی من روند و شناسم به سوی تو

رَبِّ لِيَرْحَمَنِي ۖ قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَصْلَحُ

پروردگار من را بخشنود سستی گفت همانا ما آزمودیم قوم تو را بعد از تو و گمراه کرد آنها را

السَّامِرِيُّ ۖ فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَنَ أَسْمًا قَالَ

سامری پس بازگشت موسی به سوی قوم خود خشمناک اسوهناک گفت

يَقَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسًّا أَفْطَالَ عَلَيْكُمْ

ای قوم من ای وعده نداد بود شما را و وعده ای بیکو یا دراز شد بر شما

الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَاحْلَفُوا

آن پیمان یا خواستید که فرود آید بر شما عصبی از پروردگار پس حلف کردید

مَوْعِدِي قَالُوا مَا أَحْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلِنَكَا حُمَلَا

و وعده ام را گفتند ما حلف نکردیم وعده تو را به اخبار خود و نیکی مرعاه بدید

أَوْزَارًا مِّن زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَدَتْهَا فكَذَلِكَ الْقَى السَّامِرِيُّ

بهرای سگین از زینت قوم فرعون پس بگذاشتیم آن را پس این گونه به سبب سامری بجهت خود گفت

سورة طه ٢٧



فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ  
 پس بیرون آورد برای ایشان گوساله ای را کالبدی که او را بانگ گوساله بود پس گفتند این است اله شما  
 وَإِلَهُ مُوسَىٰ قَتِيلٌ ﴿۸۸﴾ أَفَلَا يَرَوْنَ إِلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا  
 واله موسی که امپوس را از فراموش کرده است ۸۸ ایامی نیستند که آن گوساله بر نمی گردند به ایشان سخنی را و  
 يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ﴿۸۹﴾ وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ  
 در اختیار تولید برای ایشان ضرر و نه نفعی را ۸۹ و هارونه گفته بود به ایشان هارون پیش از این ایشان را بگفت موسی  
 يَنْقُومُ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا  
 ای قوم من جز این نیست که آزمایش شدید به آن گوساله و همتا پروردگار شما اله امیر کرامت است پس پیروی من کنید و اطاعت کنید  
 أَمْرِي ﴿۹۰﴾ قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ  
 فرمان مرا ۹۰ گفتند ما پیوسته می مانیم بر او عقیمان ملازم تسلیم او خواهیم بود تا اینکه برگردد به سوی ما موسی  
 ﴿۹۱﴾ قَالَ يَتَهَرُّونُ مَا مَنَّكَ إِذْ رَأَيْنَهُمْ ضَلُّوا ﴿۹۲﴾ أَلَا تَتَّبِعُونَ  
 ۹۱ گفت امپوس ای هارون چه چیز بازگشت تو را وقتی که دیدی ایشان را که گمراه شدند ۹۲ که از من پیروی نکنی  
 أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ﴿۹۳﴾ قَالَ يَبْنَؤُمْ لَا تَأْخُذْ بِطَيْبِي وَلَا بِرَأْسِي  
 آیا نافرمانی کردی فرمان مرا؟ ۹۳ گفت ای پسر مادرم مگیر ریش مرا و نه اموی اسرم را  
 إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَلَمْ تَرْفُقْ  
 همانا من ترسیدم که بگویی چنانی افتاختی میان بنی اسرائیل و نگاه نداشتی  
 قَوْلِي ﴿۹۴﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يُسْمَعِي ﴿۹۵﴾ قَالَ بَصُرْتُ  
 سخنم را ۹۴ گفت امپوس این چه کاری است که تو کردی ای سامری؟ ۹۵ گفت دیدم  
 بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ  
 چیزی را که دیگران ندیدند آن را پس گرفتم مشتکی اخاک را از زیر پای آن فرستاده اجریدا  
 فَسَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي ﴿۹۶﴾ قَالَ  
 و آن را افکندم در کندان گوساله و این چنین بپاراست برایم نفس من ۹۶ گفت  
 فَأَذْهَبَ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَوةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ  
 موسی پس برو و دور شو همانا برای تو در زندگی اسرائیل است که بگویی تملی مسلح به من دست نریزد و همتا برای تو  
 مَوْعِدًا لَّنْ تَخْلَفَنَّهُ وَانْظُرْ إِلَيَّ إِنَّكَ الْذِي ظَلَمْتَ عَلَيْهِ  
 وعده گاهی است که هرگز با تو خلاف نمی شود آن و بنگر به سوی اله خود که پیوسته بر او  
 عَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ﴿۹۷﴾ إِنَّكُمْ  
 مقیم بودی و آن را تسلیم می کردی هارونه می سوایم آن را پس می پاشیم آن را در دریا یا تپیدنی ۹۷ جز این نیست که  
 إِلَهُكُمْ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلُّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿۹۸﴾  
 اله شما الله است که نیست الهی جز او فرا گرفته است همه چیز را علم او ۹۸



كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا  
این چنین حکایت می کنیم بر تو از خبرهای آنچه گذشته است و هر آینه دادیم به تو از نزد خودمان  
ذِكْرًا ۱۱۱ مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وِزْرًا  
بندی را ۱۱۱ کسی که رویگرداند از آن پس همگونی برمی دارد در روز دستاویز باری را  
۱۱۰ خَلِيدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ حِمْلًا ۱۱۲ يَوْمَ يُنْفَخُ  
در حالی که جاویدانند در آن و بدست برای شان در روز دستاویز آن بار ۱۱۲ روزی که صیده شود  
فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ۱۱۳ يَسْتَخَفُّونَ  
در صور و محصور کنیم مجرمان را آن روز به حالت کبود رنگ ۱۱۳ آهسته می گویند  
يَنْتَهُمُ إِنْ لَيْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ۱۱۴ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ  
میان خویش که درنگ نکردید (در میان مگر ده روز را) ۱۱۴ ما داناییم به آنچه می گویند آنگاه گویند  
أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَيْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ۱۱۵ وَيَسْتَلُونَكَ عَنِ الْبَالِ  
راه یافته ترین شان درنگ نکردید مگر روزی را ۱۱۵ و می پرسند از تو درباره احوال کوه ها  
فَقُلْ يَنْصِفُهَا رَبِّي نَصْفًا ۱۱۶ فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ۱۱۷  
پس بگو پراکنده کند آنها را پروردگار من پراکنده کردن پس و می گذارد آنها را به صورت دشتی هموار ۱۱۶ ۱۱۷  
لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا ۱۱۸ يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ  
که نمی بینی در آن کجی و نه بلندی را ۱۱۸ در آن روز پیروی می کنند آن دعوت کننده (حق را)  
لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ ۱۱۹ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا  
که هیچ آهواقی ندارد و بیست می شود آواها از ترس (الله) مهر گستر و نمی شنوی مگر نوایی نرم  
يَوْمَئِذٍ لَا نَنْفَعُ الشَّفَعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ ۱۲۰  
در آن روز سودی ندارد شفاعت مگر (شفاعت) کسی که اجازه داده باشد به او (الله) مهر گستر و پسندیده باشد  
قَوْلًا ۱۲۱ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ  
سخن آوا را ۱۲۱ می داند آنچه را پیش روی ایشان و آنچه را پشت ایشان است و ایشان احاطه نیابند به او  
عِلْمًا ۱۲۲ وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ  
در دانش ۱۲۲ و فروتن شوند چهره ها در برابر آن زنده پایدار و هر آینه تمعید و محروم گردد آن که  
حَمَلٌ ظُلَمًا ۱۲۳ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا  
برداشته بار ستمی را ۱۲۳ و هر که کند چیزی از کارهای شایسته در حالی که او مؤمن (هم) باشد پس نه  
يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا ۱۲۴ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا  
هراسی دارد از ستمی و نه کاستن (پاداش) و این چنین فرو فرستادیم آن را قرآنی به زبان عربی  
وَصَرَفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحَدِّثُ لَهُمْ ذِكْرًا ۱۲۵  
و گوناگون آوردیم در آن (سخنان) ایم آور باشد که ایشان بپرهیزند یا بدید آورد برای ایشان بندی را ۱۲۵



فَتَعَلَىٰ **اللَّهُ** الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ **بِالْقُرْآنِ** مِنْ قَبْلِ أَنْ

پس بستم بر آنکه است **الله** آن فرمانروای به حق و شتاب مکن به خواندن قرآن پیش از آنکه

يُقَضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ **رَبِّ** زِدْنِي عِلْمًا ﴿١٣١﴾ وَلَقَدْ عَهِدْنَا

پایان پذیرد به سوی تو وحی آن و بگو **ای پروردگارم** زیاده کن مرا دانش و هر آینه ما سفارش کردیم

إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا ﴿١٣٢﴾ وَإِذْ قُلْنَا

به آدم پیش از این پس فراموش نمود و نیافتیم برای او اراده‌ای استوار را ﴿١٣٢﴾ و یاد کن آنگاه که گفتیم

لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ

به فرشتگان که سجده کنید برای آدم پس به سجده افتادند مگر ابلیس که سر باز زد

﴿١٣٣﴾ فَقُلْنَا يَبْأَدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا تَخْرُجَا

پس گفتیم ای آدم همانا این دشمن است برای تو و همسرت پس نباید که بیرون کند شما را

مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْفَىٰ ﴿١٣٤﴾ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ ﴿١٣٥﴾

از بهشت که در رنج آفتی ﴿١٣٤﴾ همانا برای توست اینکه نه گرسنه شوی در آن و نه برهنه گردی ﴿١٣٥﴾

وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَىٰ ﴿١٣٦﴾ فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ

و اینکه تو تشنه نمی شوی در آن و نه در گرمی آفتاب بختی ﴿١٣٦﴾ پس وسوسه کرد در دل او

الشَّيْطَانُ قَالَ يَبْأَدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ

شیطان گفت ای آدم آیا رهنمون شوم تو را به درخت جاودانگی و پادشاهی ای که

لَا يَبْلَىٰ ﴿١٣٧﴾ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا

نفرسایدند ﴿١٣٧﴾ پس خوردند از آن پس ظاهر شد برای هر دو شرمگاه ایشان و آغاز کردند

يَخْتَصِفَانِ عَنْهَا مِنْ وَرَقٍ لِّلْجَنَّةِ وَعَصَىٰ آدَمُ **رَبَّهُ** فَغَوَىٰ ﴿١٣٨﴾

که بپوشانند بر خود از برگ‌های درخت بهشت و نافرمانی کرد آدم **پروردگار خود را** پس به بیراهه رفت ﴿١٣٨﴾

ثُمَّ لَجِنَتْهُ **رَبَّهُ** فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ ﴿١٣٩﴾ قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا

باز برگزید او را **پروردگارش** پس پذیرفت توبه او را و راه نمود گفت فرود آید از اینجا

جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى

هر دو با هم که برخی از شما برای برخی دیگر دشمن است پس اگر برسد به شما از طرف من هدایتی

فَمَنْ أَتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ ﴿١٤٠﴾ وَمَنْ أَعْرَضَ عَنِّي

پس کسی که پیروی کند هدایت مرا پس نه گمراه شود و نه رنج کند و کسی که رو برگرداند از

ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

یاد من پس همانا برای اوست زندگی ای تنگ و برانگیزانیم او را در روز رستاخیز

أَعْمَىٰ ﴿١٤١﴾ قَالَ **رَبِّ** لِمَ حَشَرْتَنِي لِمَ حَشَرْتَنِي

کور ﴿١٤١﴾ گوید **ای پروردگار من** چرا برانگیختی مرا کور کور حال آنکه بودم بینا ﴿١٤٢﴾



قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْنَهَا ۖ وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ لُنَسِي ۙ (۱۶) وَكَذَلِكَ

گوید این گونه آمد برای تو نشانه های ما پس فراموش کردی آنها را و این چنین امروز فراموش می شوی (۱۶) و این چنین

بجاری من آشرف و لم يؤمن بآيَاتِ رَبِّهِ ۚ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ ۚ كیفی می نهم کسی را که از نشانه های پروردگار خود و هر آینه عذاب آخرت سخت تر

وَأَبْقَى ۖ (۱۷) أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ ۖ و بایند تر است (۱۷) پس آیا راهگشایی بود است برای آنها چه بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان نسل ها را که این هم اکنون گم می روند

فِي مَسْكِنِهِمْ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى ۖ (۱۸) وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ ۚ در منزلگاههایشان همانا در این نشانه هایی است برای خردمندان (۱۸) و اگر نمی بود سخنی که

سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى ۖ (۱۹) فَاصْبِرْ عَلَىٰ ۚ پیش گرفته بود از جانب پروردگار تو هر آینه آن عتاب هم اکنون لازم می شد و اگر نمی بود سرانجامی معین (۱۹) پس صبر کن بر

مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا ۚ آنچه می گویند و تسبیح گوی با ستایش پروردگار تو پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب آن

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ ۖ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ ۖ (۲۰) و برخی ساعت های شب پس تسبیح کن و اینها در لحظه های روز باشد که تو خشنود شوی (۲۰) و

تَمَدَّنْ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ خبره مکن چشمت را به چیزی که بهره مند ساختیم به آن گروه هایی را از ایشان از آرایش زندگانی دنیا

لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۚ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ۖ (۲۱) وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ ۖ تا بیفزاییم ایشان را در آن و روزی پروردگار تو بهتر و باینده تر است (۲۱) و فرمان ده خانواده خود را به نماز

وَأَصْطِرْ عَلَيْهِمْ لَآ تَشْتَكَ رَبَّكَ رِزْقًا وَخَشَنُ رِّزْقِكَ ۖ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ ۖ و خود را بر شکایاتش بر آن نمی طلبیم از تو روزی را ما روزی می نهم تو را و عاقبت نیک برای اهل اتقا است

وَقَالُوا لَوْلَا آيَاتُنَا بِآيَاتِهِ مِنْ رَبِّهِ ۚ أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةٌ مَا فِي ۖ و ابرهه می گویند چرا نمی آید برای ما نشانه ای را از پروردگار خود؟ آیا نرسیده است به ایشان نشانه آنچه در

الْصُّحُفِ الْأُولَىٰ ۖ وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ ۖ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ ۖ کتاب های پیشین است؟ (۲۲) و اگر همانا ما هلاک می کردیم ایشان را به عذابی پیش از این

لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا ۖ فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ ۖ البته می گفتند ای پروردگار ما چرا نفرستادی به سوی ما پیامبری را تا پیروی کنیم آیات تو را پیش

قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَىٰ ۖ (۲۳) قُلْ كُلُّ مُرْتَبِعٍ فَتَرَبَّصُوا ۚ از آنکه ذلیل شویم و رسوا گردیم؟ (۲۳) بگو هر یک از ما و شما منتظر است پس شما هم منتظر باشید

فَسَتَعْلَمُونَ ۖ مَن أَصْحَابُ الضَّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ ۖ (۲۴) پس زود که خواهید دانست که چه کسانی رهروان راه درست اند و چه کسانی راه یافته اند (۲۴)